



۵ ساعت بازرسی در قفس با بوی پیتزا!

۴۰ مروری کوتاه به یکی از شکنجه‌گری‌های روانی صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین

📖 [شهروند] کتاب «یادداشت‌های پای پنجره» نوشته کورش علیانی یکی از آثار قابل تأمل و خواندنی درباره فلسطین است؛ چندین فصل دارد که در هر کدام به یکی از ماجراهای دردناک و عجیب در فلسطین پرداخته و موضوعات متنوعی را هم انتخاب کرده که ممکن است کمتر در گزارشی دیده یا خوانده باشید. این کتاب توسط انتشارات «سوره مهر» چاپ شده. امروز سراغ یکی از این فصل‌های کتاب رفته‌ایم که به موضوع «ایست‌بازرسی در فلسطین» اختصاص دارد. موضوعی که یکی از ترغندهای کثیف صهیونیست‌ها برای آزار و تحقیر فلسطینی‌هاست.

عجیب‌ترین دیوار جهان

فلسطین اشغالی به دلیل حضور رژیم صهیونیستی پر است از مفاهیمی که گمان می‌کنیم آن‌ها را می‌فهمیم اما این گمان چندان درست نیست. چون صهیونیست‌ها به‌زیرکی دریافته‌اند چطور با گذاشتن نام‌های ساده، جنایت‌های خودشان را پنهان کنند. یکی از این جنایت‌ها، نام ساده‌ای دارد که ماهیتش را پنهان می‌کند: دیوار! نکته‌ای که درباره دیوار باید گفت این است که این طرح به شکلی که در سرزمین‌های اشغالی فلسطین اجرا شده، هیچ شباهتی با هیچ دیواری که می‌شناسید ندارد. مثلاً دیوار چین را در پهناورترین سرزمین ساخته بودند تا جلوی هجوم مغولان را بگیرد؛ هرچند حتی با همان دیوار هم نتوانستند. اما در فلسطین، پهن‌ترین، بلندترین و عجیب‌ترین دیوار را ساخته‌اند؛ نه فقط برای محدود کردن مردم در آن سوی دیوار، که برای فلج کردن مردم در دو

انتظار در قفس!

تصورتان از ایست‌بازرسی چیست؟ بستن راه با نیروی انسانی یا حداکثر چند مانع و سیم خاردار؟ اگر چنین است، اشتباه می‌کنید. ایست‌بازرسی‌ها در سرزمین‌های اشغالی گاهی شبیه به یک قفس است که توده‌ای مترکم از فلسطینی‌ها باید در آن جای بگیرند تا بعد از تفتیش از آن عبور کنند. میله‌های این قفس‌ها حتی به شکل نرده‌مانند هم نیست که شما گمان کنید در منطقه‌ای تحت حفاظت

قرار دارید و صرفاً قرار است بازرسی بدنی شوید؛ بلکه طوری آن‌ها را با نرده‌های افقی و عمودی پرتراکم، طوری ساخته‌اند که فرد احساس کند در قفس قرار گرفته. در واقع در کنار بازرسی، تحقیر روانی خود را نیز به فلسطینی‌ها اعمال کنند.

از پشت شیشه‌های ضخیم

ضمن اینکه در ایست‌بازرسی‌های معمول جهان نظیر عبور از گیت فرودگاه، کسی به شما توهین نمی‌کند. همچنین برای عبور از گیت امنیتی فرودگاه نهایتاً چند دقیقه‌ای معطل می‌شوید اما در ایست‌بازرسی‌های دیوار، شما ساعت‌ها می‌ایستید بی‌اینکه کسی جوابی جز توهین به شما بدهد. گاه آن‌ها را از پشت شیشه‌های ضخیم می‌بینید و گاهی در بخش‌هایی شبیه به دالان‌های طولانی که باید از آن عبور کنید. تنها کف پوتین و نوک اسلحه سربازانی را می‌بینید که روی سقف میله‌ای بالای سرتان راه می‌روند و به عبوری سرتان فریاد می‌کشند.

ترغند پاک کردن حافظه تاریخی

در عبور از این نوع ایست‌بازرسی‌ها، باید دو نوع مدرک هویت نشان بدهید: یکی کارت شناسایی (مثل گذرنامه) و یکی هم کارت الکترونیکی مخصوص عبور. ضمن اینکه برای عبور کف دست‌های‌تان را کامل اسکن می‌کنند؛ چیزی بیش از یک انگشت‌نگاری کامل! جالب اینجاست همان زمانی که یک فلسطینی در حال تحمل چنین تحقیرهایی است، باید آبادی‌های خودش را طولانی ببیند کنار شهرک‌های نوساز صهیونیست‌نشین که در حال تغییر چهره سرزمین اجدادی‌اش هستند. ایست‌بازرسی‌ها را هم نه به نام آبادی‌های قدیمی

فلسطین بلکه به نام شهرک‌های نوساز می‌گذارند تا با این ترغند، حضور شهرک‌ها را به رخ بکشند و تثبیت کنند. ضمن اینکه در کنار آن زیرکانه قصد دارند حافظه تاریخی را عوض و آبادی‌های فلسطینی‌ها را انکار کنند.

دلم می‌خواهد تلویزیون ببینم!

برای سربازان و افسران گرداننده ایست‌بازرسی‌ها، هیچ کاری که زمان را از بین ببرد غیرمجاز نیست. به همین دلیل است که تا بخواهند ماجرا را کش می‌دهند. به این ترتیب حداقل زمانی که شما باید در یک ایست‌بازرسی تلف کنید، ۵ ساعت است! درحالی‌که ممکن است در همان زمان ببینید که سربازان، ایست‌بازرسی‌ها را بسته‌اند و دارند در همان زمانی که شما ایستاده‌اید، با هم عکس یادگاری می‌گیرند! گاهی هم می‌نشینند به تماشای یک مسابقه ورزشی یا فیلمی سینمایی و اصلاً اهمیتی ندارد که کسانی در ایست‌بازرسی‌ها منتظرند.

گزارش پیتزا در روزنامه «هاآرتص»!

فلسطینی‌ها ساعت‌هایتمادی در این ایست‌بازرسی‌ها می‌ایستند که مورد تحقیر و شکنجه روانی قرار بگیرند. در همان زمان ممکن است سربازی ناگهان تشخیص بدهد همه باید منتظر بمانند. چرا؟ بنابراین مردم منتظر می‌مانند تا ببینند سرباز مربوطه پیتزایی سفارش داده و تازه بعد از رسیدن پیتزا، باید زمان خوردن آن را هم طی کند و در تمام این مدت، عابران همچنان در حال انتظارند. شاید گمان کنید که این صرفاً یک مثال بود اما گزارشی درباره پیتزاهای سفارشی از سوی سربازان و ساعت‌ها انتظار فلسطینی‌ها در ایست‌بازرسی‌ها از سوی روزنامه «هاآرتص» چاپ شده.

ترور شدنش نه شامل عدالت شده نه پاسخگویی؛ فقط ماه‌ها غم و اندوه و ناباوری برای ما، خانواده و دوستانش به همراه داشته است. در طول حمله اسرائیل به غزه در ماه می ۲۰۲۲، شیرین شبانه‌روز از شهری به شهر دیگر می‌رفت به صورت زنده و میدانی اخبار انتفاضه «وحدت فلسطینی‌ها» را پوشش می‌داد. من در فرانسیسکو گیر افتاده بودم اما چسبیده به صفحه تلویزیون نگران مردم و سلامتی و امنیت شیرین بودم. در پنجم آگوست ۲۰۲۰، اسرائیل حمله دیگری را به غزه صورت داده بود و ۴۹ فلسطینی را به شهادت رسانده بود که ۱۷ نفر از آنان کودک بودند. به محض شنیدن این خبر و از روی عادت تلفنم را برداشتم تا به شیرین پیام بدهم که کجاست و آیا سالم است؟ اما... موفق نشدم...

اوصدای فلسطین بود

شیکه الجزیره مثل همیشه نبود. غیبت شیرین را بیش از همیشه حس کرده بودم. غیبتی که علاوه بر خانواده توسط همکاران، دوستان و دیگرانی که گزارش‌های شجاعانه و منحصر به فردش را در ۲۵ سال گذشته دیده بودند، حس می‌شد. حقیقتاً او صدای فلسطین بود و پیام‌آور حقیقت و عدالت، زندگی خود را وقف افشای جنایات اسرائیل کرد. صدایش همچنان طنین‌انداخت و یاد و خاطره‌اش همچنان پابرجاست. شدت تأثیر شیرین ابوعاقله قوی‌تر از گلوله‌ای بود که جانش را گرفت. میراثی که برجای گذاشت تا همیشه در حافظه جمعی فلسطینی‌ها و اعرابی که او را دنبال می‌کردند، ماندگار خواهد شد. اما حالا مدتی است گوشی صدایش را نشنیده‌ام. شیرینی که در طول زندگی حرفه‌ای‌اش و در تمام رویدادهای خبری فلسطینی‌ها، چهره بارز جنگ و صلح بود.

می‌خواهم مثل شیرین باشم...

گزارش‌های شجاعانه‌اش از انتفاضه دوم، تهاجمات نظامی به کرانه باختری به ویژه به اردوگاه پناهندگان جنین، انتخابات ملی و بین‌المللی جنگ‌های غزه و مبارزات و دستاوردهای روزانه فلسطینی‌ها فراموش‌ناشدنی است. او واقعیت‌های زندگی فلسطینی‌ها را به جهانیان انتقال داد تا با اطلاعات نادرست رسانه‌های اسرائیلی و غربی مقابله کند. من در زندگی‌ام به اندازه کافی خوش‌شانسم که شاهد کارهای شیرین بودم. وقار و شجاعتش همیشه برای من الهام‌بخش بوده و هر وقت از من می‌پرسیدند: «وقتی بزرگ شدی، دوست داری چه‌کاره شوی؟ می‌گفتم می‌خواهم مثل شیرین باشم.»

چالش‌های روزنامه‌نگاری میدانی

وقتی که سنم کم بود ماهیت کارش را کامل درک نمی‌کردم و از چالش‌ها و مشکلاتی که یک روزنامه‌نگار در فلسطین اشغالی با آن‌ها روبه‌رو بود، خیلی آگاه نبودم. آن موقع او برای من فقط عمه‌ای بود که اتفاقاً روزنامه‌نگار شناخته‌شده‌ای هم بود. کنجکاوی من در مورد دنیای روزنامه‌نگاری به مرور زمان بیشتر و بیشتر شد و از شیرین در مورد کارش و آنچه برای روزنامه‌نگاری لازم بود سؤال می‌پرسیدم. همیشه دیدگاه‌ها، تجربیات و چالش‌هایی را که یک روزنامه‌نگار میدانی با آن‌ها روبه‌رو بود برای من تعریف می‌کرد. وقتی بعد از یک روز کاری طولانی به خانه می‌آمد، ریزه‌کاری‌ها و پیچیدگی‌های اتفاقاتی را که در مورد آنها گزارش کرده بود با من در میان می‌گذاشت. من از او، اهمیت سخت‌کوشی و فداکاری را آموختم. برای هر گزارشی که کار می‌کرد زمان زیادی را برای تحقیق، خواندن گزارش‌ها و کتاب‌ها، گفت‌وگو با کارشناسان، مقامات و افرادی که تحت تأثیر اشغال اسرائیل قرار گرفته بودند اختصاص می‌داد.

هیچ‌کس تحت اشغال در امان نیست

۴۰ مروری به کتاب زندگی نامه خبرنگار فلسطینی-آمریکایی که هنگام تهیه خبر به ضرب گلوله اسرائیلی‌ها کشته شد



شیرین ابوعاقله، سال ۱۹۷۱ در خانواده‌ای عرب-مسیحی و فلسطینی و در اورشلیم به دنیا آمد. او از طریق خانواده مادری خود که ساکن نیوجرسی بودند موفق به دریافت تابعیت آمریکا شده بود. ابوعاقله دوران دبیرستان خود را در حینا گذراند و برای تحصیلات تکمیلی خود وارد رشته معماری در دانشگاه علم و صنعت اردن شد اما تصمیم گرفت از رشته خود انصراف داده و به دانشگاه یرموک در اردن منتقل شود و در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل کند. ابوعاقله پس از اتمام تحصیل خود به فلسطین بازگشت و مشغول خبرنگاری شد. او ۲۵ سال در شبکه عربی زبان «الجزیره» فعالیت داشت و یکی از خبرنگاران فعال در خاورمیانه بود که اخبار مرتبط با فلسطین را پوشش می‌داد. گزارش‌های میدانی او صدای فلسطینیان را به سراسر جهان عرب منتقل می‌کرد و موجب پیوند دوباره فلسطینیان جدا شده از هم شد. در ۱۱ می ۲۰۲۲ درحالی که مشغول پوشش اخبار حمله نیروهای ارتش اسرائیل به شهر جنین در کرانه باختری بود، مورد هدف صهیونیست‌ها قرار گرفت و به دلیل اصابت گلوله به سر، شهید شد. او در حالی به شهادت رسید که جلیقه خبری رسانه‌ای به تن داشت. کتاب «من شیرین ابوعاقله هستم» زندگی، حرفه و شهادت شیرین ابوعاقله، خبرنگار شهید فلسطینی را به تحقیق و ترجمه شهریار شفیع، به مخاطبانش ارائه داده است. این کتاب توسط انتشارات «امیرکبیر» چاپ شده. بخش‌هایی که در ادامه می‌خوانید روایت رانیا زبانه (یکی از تهیه‌کنندگان شبکه الجزیره) و لینا ابوعاقله (برادرزاده شیرین ابوعاقله) درباره او است. درباره لینا ابوعاقله اما باید گفت او از پدرب فلسطینی و مادری ارمنی به دنیا آمده و در بیت‌المقدس بزرگ شده است. مدرک لیسانس مطالعات سیاسی از دانشگاه آمریکایی بیروت و کارشناسی ارشد مطالعات بین‌الملل و حقوق بشر از دانشگاه سانفرانسیسکو دارد. لینا بعد از شهادت شیرین برای اجرای عدالت و پاسخگو کردن رژیم صهیونیستی، در مجامع بین‌المللی تلاش‌های بسیاری کرد و در سال ۲۰۲۲ به خاطر ایجاد کمپین‌های بین‌المللی و تلاش‌هایش، در فهرست ۱۰۰ زن تأثیرگذار بی‌بی‌سی و جزو ۱۰۰ فرد تأثیرگذار جهان در فهرست مجله تایم قرار گرفت.

•••

گلوله‌ای که به شیرین اصابت کرد روایت رانیا زبانه

در دفتر کارمان صبح‌های جمعه دور هم جمع می‌شدیم و صبحانه می‌خوردیم. این یک رسم بود. خنده‌های شیرین و شوخ طبعی‌اش مثال‌زدنی بود. اتفاقات خوب کوچک، روز او را می‌ساخت. او کاشف نور بود در تاریک‌ترین لحظات. کافی بود یک بار در خیابان با شیرین قدم بزیند تا بدانید مردم چقدر او را دوست داشتند. ما در اردوگاه پناهندگان جنین دور میدان اردوگاه می‌نشستیم. کودکان را دور خود جمع می‌کرد و در مورد همه چیز با آنها حرف می‌زد؛ مدرسه، بازی‌ها، امید؛ حتی رنگ مو. آدم‌ها از هر نسلی و با هر سنی، شیفته‌اش می‌شدند. بیشتر از نزدیکی چشم‌های مردم به صفحه تلویزیون، به دل‌شان نزدیک بود. شیرین هیچ فرصتی برای یادگیری چیزهای جدید را از دست نمی‌داد و هیچ ابایی از درخواست نظر و راهنمایی از دیگران نداشت. مطمئن بود که بدون در نظر گرفتن سن و تجربه می‌تواند پیام‌وزد. من هرگز او را خوشحال‌تر از زمانی که در اکتبر ۲۰۲۱ از دانشگاه بیرزیت در رشته رسانه‌های دیجیتال فارغ‌التحصیل شد ندیده بودم.

در ایست‌بازرسی‌های معمول جهان نظیر عبور از گیت فرودگاه، کسی به شما توهین نمی‌کند. همچنین برای عبور از گیت امنیتی فرودگاه نهایتاً چند دقیقه‌ای معطل می‌شوید اما در ایست‌بازرسی‌های دیوار، شما ساعت‌ها می‌ایستید بی‌اینکه کسی جوابی جز توهین به شما بدهد. تنها کف پوتین و نوک اسلحه سربازانی را می‌بینید که روی سقف میله‌ای بالای سرتان راه می‌روند و به عبوری سرتان فریاد می‌کشند.

غیبت شیرین را بیش از همیشه حس کرده بودم. غیبتی که علاوه بر خانواده توسط همکاران، دوستان و دیگرانی که گزارش‌های شجاعانه و منحصر به فردش را در ۲۵ سال گذشته دیده بودند، حس می‌شد. حقیقتاً او صدای فلسطین بود و پیام‌آور حقیقت و عدالت، زندگی خود را وقف افشای جنایات اسرائیل کرد. صدایش همچنان طنین‌انداخت و یاد و خاطره‌اش همچنان پابرجاست. شدت تأثیر شیرین ابوعاقله قوی‌تر از گلوله‌ای بود که جانش را گرفت. میراثی که برجای گذاشت تا همیشه در حافظه جمعی فلسطینی‌ها و اعرابی که او را دنبال می‌کردند، ماندگار خواهد شد.